



# ایران در هفته‌ای که گذشت

در هفته‌ای که گذشت حوادث زیادی در کشورها گذشت که در زیر برخی از مهم‌ترین آنها را با خوانندگان در میان می‌گذاریم:

## برنامه حد اقل مجاهدین

سازمان مجاهدین ایران در آخرین هفته سال ۵۷ ضمن جمع‌بندی شرایط فعلی انقلاب ایران نظرات خویش را درباره فراتر بردن ۱۵ فروردین و همچنین ادامه انقلاب ایران اعلام داشت. در این جمع‌بندی نسبتاً مترواح سازمان مجاهدین اعلام شده است که همه مجاهدین چنانچه انتظار اصلی ایرانی هستند.

سازمان مجاهدین دربارهٔ شدت انقلاب اعلام داشت که شد انقلاب با بهانه‌های دفاع از دین و ترس از سلطه کمونیسم و تخریب و تخریب وارد می‌شود.

در این جمع‌بندی به‌درستی آمده است: به‌عنوان برنامه حد اقل باید امپریالیسم معوضه و بساط ارتجاع و دیکتاتوری به‌طور کلی برچیده شود. در زمینه نظام اقتصادی آینده ایران باید بساط چارول کلیه بانک‌های استعمارگر خارجی برچیده شود. در زمینه آزادی‌های سیاسی نیز احزاب سیاسی و اجتناب و مطبوعات باید آزاد باشند.

## تظاهرات علیه قرارداد ننگین مصر و اسرائیل

در لطفانی که سادات در لباس خیانت به‌آرام‌های ملی اعراب و پیمان‌کاران حقوق حقه ملت فلسطین در امریکا مورد استقبال ایرانیان خوش قرار گرفته بود در ایران میلیون‌ها نفر نظر آیت‌الله خمینی را مبنی بر خیانت سادات به‌اعراب با تظاهرات روشنی که در بسیاری از شهرها از جمله تهران برپا شد تأیید و تأکید کردند. در تهران هزاران نفر به‌عنوان اعتراض به قرارداد ننگین مصر - اسرائیل در مسیر میدان شهبازا با سفارت مصر در تهران دست به‌پراهمی‌های تظاهرات زدند و خیانت جدید سادات را محکوم کردند و بیکار دیگر هویت خود را با خلق قهرمان فلسطین اعلام داشتند.

## تظاهرات ضد امپریالیستی در آخرین ساعات سال قبل

آخرین ساعات سال ۵۷ با تظاهرات گسترده ضد امپریالیستی به‌مناسبت ۲۹ اسفند دروز ملی ختنه‌های نرفته سبزی شد. در سراسر ایران باین مناسبت تظاهرات، سخنرانی‌ها و کنفرانس‌های برپا شد و میلیون‌ها ایرانی بیکار دیگر اعلام داشتند که خواهان حق حاکمیت خود برای معای ملی و وطنشان هستند و حرکت گوناگون این راه و مبارزان آزادی‌طلب را خیر و نیک تمام تلاش‌های خود را ارتجاع برای منقوش چلودادن مبارزان آنها می‌نماید فراموش نمی‌کنند همچنان که محقق را فراموش نکرده.

در تهران به‌عنوان مناسبت در میدان آزادی تظاهرات با شرکت گروه‌های مختلف مردم برپا شد و تعدادی از شخصیت‌های ملی از جمله دکتر کریم سنجابی که در مراسم شرکت داشتند سخنرانی‌های خود از مبارزات سرخ‌پوش مردم ایران در جریان ملی شدن صنعت نفت یاد کردند.

بزرگداشت روز ملی شدن صنعت نفت بیکار دیگر این حقیقت انکار ناپذیر را ثابت کرد که ملت ایران دشمن واقعی خود را که همدان امپریالیسم و ارتجاع است به‌عنوان می‌شناسد و برای کوتاه کردن دست‌های غارتگر و حفظ استقلال و آزادی خویش از هیچ کوششی دریغ نمی‌دارد.

پس از سرنگونی رژیم چارولگر پهلوی در سال گذشته این سویمین تظاهرات ضد امپریالیستی و ضد امریکایی بود که در ایران و تهران برپا شد و طی آنها مردم و وطنیان باهم میثاق بستند که تا قاطع کتم هر نوع وابستگی به‌امپریالیسم ازنا ننشوند و تظاهرات توده‌ای بدون دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران و مجاهدین برپا شد بود که در هر دو آن‌ها همان‌طور نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین در ایران شرکت داشت. در جمع تظاهرات ضد امپریالیستی که در آخرین روزهای سال باشکوه ۵۷ برپا شد از تظاهرات ضد امپریالیستی که مقابل سفارت انگلیس برپا شد نیز باید یاد کرد.

جبهه ملی ایران در قطعنامه‌ای که در تظاهرات ۲۹ اسفند منتشر کرد اعلام داشت که به‌جمهوری اسلامی رای می‌دهد و در تدوین قانون اساسی ایران همه طبقات باید مشارکت داشته باشند.

## من به‌اسلام مترقی رأی می‌دهم

در قطعنامه‌ای که پس از رسیدگی به‌صودت گروگان توسط هیات اعزامی به‌سرپرستی آیت‌الله طالقانی انتشار یافت به‌درستی یادآوری شده است که خواست‌های جمهوری اسلامی در حقیقت بربر گرفته تمام خواست‌های به‌حق ملت‌ایران است به‌درستی برای تمام ملت ایران تریخ شده است و یکی از دلایل حوادلی نظیر حوادث اخیر گروگان‌گیری جمهوری مسأله است در حالی که جمهوری اسلامی تمام این خواست‌ها را در بردارد و به‌تمام ستم‌های ناشی از دیکتاتوری سرنگون شدهٔ پهلوی پایان خواهد داد.

در چارچوب همین مسأله بسیار مهم، حضرت آیت‌الله طالقانی در پیام رادیو و تلویزیونی خویش که در سنجج ایراد شد و در بحث‌های خبری رادیو ایران نیز پیش شد اعلام داشتند که من با توجه به‌روح متکامل اسلام، اسلام مترقی به‌جمهوری اسلامی رأی می‌دهم.

با آنکه از مجموع اعلامیه‌ها و مساجدهای حضرت آیت‌الله خمینی و آیت‌الله طالقانی تصویری از نظام جمهوری اسلامی آینده ایران در ذهن میلیون‌ها ایرانی وجود دارد به‌عنوان اندازه که به‌زمان برگزاری فراتراندوم تریخ و تریخات می‌نویسیم نیاز هویت احساس می‌شود که بیکار دیگر مستگیری اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی رسا اعلام شود. این نیاز عمومی با اعلامیهٔ اخیر امام خمینی مبنی بر دعوت عمومی برای شرکت در فراتراندوم و رای‌دادن به‌جمهوری اسلامی بیشتر از گذشته احساس می‌شود.

## تظاهرات حزب جمهوری اسلامی

خلق قهرمان ایران در حالی که سال جدید را با شوق سرنگونی رژیم سفاک شاه و چارول پهلوی و نفس‌نفس مرحله انقلاب باشکوه خود شروع کرد در سراسر ایران حتی برای لحظه‌ای از اندام انقلاب و شوق کرم دستاوردهای انقلاب باز نماند. در دومین روز سال جدید به‌مناسبت سالگرد حملهٔ گرزاهای رژیم شاه - ساواک به‌مدرسهٔ فنیسه که در منجر به‌مصرف شدن تعداد زیادی از طلاب این مدرسه علوم اسلامی و خیانت یکی از طلاب شد تظاهرات در تهران و دیگر شهرها برپا شد. در تهران حزب جمهوری اسلامی تظاهراتی را به‌عنوان مناسبت سازمان داد که هزاران نفر در آن شرکت کرده بودند و به‌این سرفهٔ نبرد خود را از این صلح‌جویانه اعلام داشتند. در تظاهرات حزب جمهوری اسلامی در تهران قطعنامه‌ای در ۱۳ ماده صادر شد. در قسمت‌هایی از این قطعنامه به‌درستی اعلام شده است: تصحیح حیازات حاضر شد انقلاب، مسفین، نوکران بیگانه، کج‌بگه‌گران، قارت‌گران تروت ملی و کسانی که نقش ضال در تحکیم و پتای نظام طاغوتی

# بانک‌ها را ملی کنید!

بلکه خود به‌مثلاث می‌نماید. ما تردیدی نداریم که بسیاری از محافل مذهبی که سختگویی قترهای وسیع و به‌توربان و بازاریان و دهقانان از روی کمال حسن نیت به‌برخاوری حمله می‌کنند. برخاوری یکی از به‌بده‌های عشوت‌نبار و پلید نظام‌های استعماری است که کمر این قترها را می‌شکند و آن‌ها را به‌خاک سیاه می‌نماید. تصادفی نیست که به‌واسطهٔ اسلام در هزار و چهارصد سال پیش برخاوری را با شدیدترین لعن‌ها محکوم و حرام کرد. ولی اگر واقعاً قصد مبارزه با برخاوری و زشت‌ترین کرم آن‌را داشته باشیم باید فراموش کنیم که به‌عمرم دستورات سریع و قاطع اسلام و مقاومت مردم زحمتکش، برخاوری در جامعه، از جمله جامعهٔ اسلامی - از میان رفته بلکه در طول زمان بیشتر شده است. اگر این مسئله را بطور جدی و همه‌جانبه طرح و حل‌کنیم در آینده باز هم بیشتر خواهیم آمد.

محافل که به‌ظاهر امور توجه‌دارند دنبال راه حل شرعی و یا خدای بی‌بصافت دنبال «کسیلاشرعی» می‌گردند. گروهی پیشنهاد می‌کنند که بهره بانکی «صنف» شود و گروه دیگر دنبال نام تاریخی برای بهره بانکی می‌گردند. کین این اسم در اسلام حرام نباشد - حالا اگر خود عمل‌و‌ماهی‌ها امر حرام باشد ظاهر آن چندان مهم نیست. ما محافل که می‌دانند چه می‌نمایند و در بازار آشفتهٔ کنونی دنبال راه‌حلهایی می‌گردند که برخلاف آنها احساس حقیق کاری نمی‌شود کرد. اما با محافل صدیق و نامهربانان با حسن نیت اسلام مبارز می‌توان و باید سخن گفت. روی سخن ما نیز با آنهاست.

از اینجا آغاز کنیم که بانک‌داری و برخاوری عین هم نیست. برخاوری در هر صورت عامل و رشک‌گشای قترهای وسیع تولیدکنندگان کوچک است و باید از بین برود. اما بانک‌داری اگر ملی باشد می‌تواند در خدمت جامعه و قشرهای وسیع تولیدکنندگان کوچک قرار گرفته یکی از عوامل اصلی شکوفایی اقتصادی باشد. بانک را نمی‌شود از میان برد و بانک‌داری چیزی بی‌فکود منقوش فریب مردم وداع

مسئله بانک‌ها در جنبش انقلابی کنونی ایران با وست و پرستی و رژیم‌های مطرح شده است. از همان ابتدا که جنبش روه اوج گذشت تظاهر کنندگان ضد رژیم اینجا و آنجا به‌پایگاه نیز هجوم بردند. مواردی پیش می‌آمد که عوامل رژیم و مأمورین ساواک صفاً شیشه‌های این یا آن بانک را می‌شکستند تا مبارزین راه‌شویه شکن و به‌خراپ‌کارهٔ مرخصی‌کننده‌های پیش می‌آمد که تظاهر کنندگان قطب‌بانک ویژه‌ای را مورد حمله قرار می‌دادند و گفته می‌شد که صاحب اصلی آن به‌فلان فرقهٔ منجیب غیر اسلامی وابسته است. ولی این‌گونه حوادث و این‌گونه توجیه کاری‌ها بیشتر یک‌جانبه و سطحی است. اصل‌طلب ناخشنودی عمومی است از نقش نامالی که بانک‌ها به‌روز در ده سال‌نوزده ساله پس از اصلاحات در اقتصاد کشور ایفا کرده‌اند. مردم بچ بانک‌ها را تجمیع و اینک به‌سرمایهٔ امپریالیستی طبقه‌گری وزارت تروت ملی می‌دانند و در آئینه بانک‌ها سیاحت ضد ملی و ضد طغی‌رزم سابق را می‌بینند.

همچنین دلیل هم هست که پس از سرنگونی رژیم و آنگاه که دیگر موضوع «شیت‌مشکتی» در میان نیست «مسئله بانک‌ها» پوست‌و‌سخت نام در برابر انقلاب استاده و انبیهٔ پیشی بزرگی از مبارزین را به‌خود مشغول داشته. دولت صورت انقلابی نیز - با سبک و شیوهٔ خاص خویش بدان می‌پردازد.

ما مبارزان مذهبی نیز که نقش مهمی در جنبش انقلابی ایفا کرده‌اند، پس از انقلاب مسئله بانک‌ها را در دستور روز گذاشتند و در بارهٔ آن به‌بحث و بررسی می‌نشیند. شش‌ماههٔ برخی از محافل مذهبی و کسانی که خود را به‌این محافل می‌بندند، مسئلهٔ اعتبار مهم بانک‌ها را که یک بانک عظیم امروزی است تنها در دیوچهٔ حلال و حرام بودن بهره بانکی می‌گردند و خواه نشاوهٔ این موضوع مهم را به‌پیراهن می‌کشند. به‌عقل ما آقای بی‌صبر حق دارد وقتی توجیه می‌دهد که: «صنف بهره بانکی» شرایط فعلی و بدون آن که تغییراتی نیاید در جامعه ما پدید آید نتنها مشکلی را حل نمی‌کند

## ... فراتراندوم

آن روشن نیست چه کرده و در برابر چه قرار می‌دهد. در حالی که امروز نیروهای انقلابی ایران باخود و اتفاق هر چه پیش می‌نمایند.

خواست طرح پرسش‌های متعدد به‌عقل از طرف برخی مجاهدین فریب‌خواه مطرح می‌شود. به‌عقل از طرف برخی محافل ارتجاعی نیز از موضع دیگری مطرح می‌شود. محافل ارتجاعی می‌نویسند همهٔ ملت را که باید پس از فراتراندوم در شرکت وسیع‌ترین نیروها حمل کردهٔ مبارزین به‌صود ارتجاع حل کنند. آن‌دسته از محافل ارتجاعی که می‌گویند همهٔ آزادی‌دانه که به‌جمهوری می‌گردد «فرزیه» و با به‌جمهوری اسلامی، رای‌دهند. این هدف ناممکن را دنبال می‌کنند که خطت دوگراتیک انقلاب ایران را انکار نمایند و مدعی شوند که «دموکراتیک» در فراتراندوم در شد.

در فراتراندوم تنها یک مسئله مطرح است: به‌عقل فراتراندوم رژیم منقوش سلطت پهلوی و باید بطور مستقیم و در یک صف واحد در این دار تروت کرد.

## ... ضد انقلاب آرام نمی‌گیرد

دعوت کارگران به‌صبر و شکیالی آنان را به‌شرکت مؤثرتر در نوسازی اقتصاد کشور دعوت کنید. بگذارید سندیکاهای کارگری هر چه زودتر سازمان یافته و نقش مؤثری در اقتصاد کشور ایفا کنند. حزب تودهٔ ایران، با به‌عنوان یک حزب مسئول در این شرایط حساس اعلام خطر می‌کند. و تأکید دارد بر این که ضد انقلاب فعلی است. امپریالیسم جنایت‌کار امریکا در مقیاس خاورمیانه توطئه می‌چیند و عمل آن در ایران و خلق فارس در تلاشند. در برابر این توطئه‌گری باید متقابلاً فعال بود. باید همهٔ نیروهای انقلابی را بدون تبعیض تجویز کرد. شور و شوق انقلابی که برای پیروزی قطعی ضرورت دارد، با توصیه و گله به‌عست نمی‌آید. برنامهٔ انقلابی و عمل انقلابی لازم است.

گفته داشته‌اند: خواست قلبی و تعاق تا به‌تیرماکت. جنبش کارگری ملی و کمونیستی و اصولی و تک‌آورزان باید در سمدربانم حکومت اسلامی ایران قرار گیرد. تأمین رفاه کارگران و پرورش استعدادها و علولت انسانی و حرفه‌ای آنان و مبارزه با هرگونه استعمار در رأس اهداف جنبش اسلامی ایران قرار دارد. ما مستقیم با امپریالیسم و ارتجاع از بزرگترین دشمنان انقلاب اسلامی ایران هستیم و مبارزه با آنان تا سرگوب‌نهایی و قطعی آنها باید ادامه یابد. ما با حمایت تزلزل ناپذیر خود در برابر این جنبش‌های آزادیخواهانه - استقلال‌طلبانه و ضد استعماری‌های متخلف جهان خصوصاً مسلمانان و در رأس آن از جنبش شجاعانه خلق قهرمان فلسطین اعلام می‌داریم. ما فراتراندوم تسلیم طلبانهٔ مصر و اسرائیل را خیانت به‌آرامان فلسطین که آرمان راستین همهٔ مسلمانان است دانسته و آن‌را به‌عست محکوم می‌کنیم.

بقیه در صفحه ۴

طائفی‌ها به‌را در اظهار نظر های سریع خود جمهوری اسلامی را به‌معنای حکومت ضد امپریالیستی، آزادی‌خواه و محقق به‌خواست توده‌ها تعبیر و تفسیر کرده‌اند. دلیلی ندارد که این خواست‌ها تئیت و تسخیل نشود.

برخی از هواداران حزب می‌پرسند: آیا بهتر نبود که با توجه به‌نشورهای موجود، حزب تودهٔ ایران هم اصولاً از شرکت در فراتراندوم رنجیز می‌کرد؟

پاسخ در این مورد نیز به‌طور قطع منفی است. زیرا اولاً سیاست پایبند و غیرقابل دست‌خیز زمانی سیاست سوندی نیست و در لحظات کنونی انقلاب بایستی اولی می‌تواند شورش‌های آسپف داد. و رأی حزب تودهٔ ایران به‌صودت تودهٔ میردم اهمیت تریقه اول می‌دهد. حزب تودهٔ ایران در تقسیم طبقهٔ کارگر و با دهقانان را با علاوهٔ مذهبی گناه ناخشنودی می‌نماید. چگونه می‌توان تحمل کرد که در یک کارخانهٔ عمده‌ای از کارگران برای رأی دادن به‌جمهوری اسلامی پای صندوق بروند و اعضاء هواداران حزب از این متنوع اعتبار کنند و کارخانه میان اسلامی و غیر اسلامی تقسیم شود؟ حزب ما هرگز نمی‌تواند به‌مرزندی‌های منوعی نداده و می‌بهدد ما هوادار با توده‌ها و در کنار توده‌ها خواهیم بود.

راه کار مخالفت نیست. هرمانی با توده‌ها و تحکیم موقعیت آنها در انقلاب است. بگذار توده‌ها در فراتراندوم با خواست خود شرکت کنند. بگذار اسلام، اسلامی که توده‌ها بدان داور دارند، پیروز شود.

در اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در بارهٔ فراتراندوم آمده است: ما مدتهاست که نظر خود را در بارهٔ ضرورت ایجاد یک جمهوری متکی بر ارادهٔ خلق بیان داشته‌ایم. اصل مطلب محتوی حکومت‌هاست. مردم مبارز ایران باید بگویند تا قانون‌اساسی جدید برپایستد تا اساسی جامعهٔ ما نیز استقلال ملی، صلح و دموکراسی و پیشرفت اجتماعی و رفاه عمومی نیابد. حفظ وحدت‌نظر و کلمهٔ میان همهٔ نیروهای ملی و دموکراتیک در شرایط کنونی یکی از هر حیاتی است. این اعتقاد ما همچنان به‌همی خود باقی است. این نظر و تنها این نظر هوای مخالف طبقهٔ کارگر و زحمتکشان ایران است.

# از تاریخ پیاموزیم

## آغاز سخن

جنبش انقلابی ایران با تمام عظمت و وسعتی که دارد هنوز در نیمه راه است و حتی بهترین و خردمندترین افکار ایرانی و حتی در آنجا که به نظر می آید به طور کامل دست یافته و لذا باید بزرگترین نقشین تاریخ را در آستانه تیرماه مبارک انقلاب قرار گرفته است. حال امیرالیه و ارتجاعی گوشت در آب بره را به پیروی بازگرداندند و ۲۸ مرداد دیگری را در شکل توپن سازمان دهند. نیروهای صبیح انقلابی نیز احساس می کنند که برای بازگشت پایتخت کردن انقلاب باید پیش رفت.

سروش آینده تیر بدست بدست کدامیک از دو نیروی متخاصم انقلاب، یا خد انقلاب، بهتر و زودتر متشکل شده و نیروی میهن پروری در عرصه نبرد حاضر کنند. امیرالیه ها و مخالف آن ها در داخل کشور با این حقیقت بی دردی و همه تیرهای خود را برای سازماندهی ضد انقلاب به کار گرفته اند. آن ها ساواک را در زیر زمین جدید سازمان می دهند و برای بازسازی ارتش بر بنیاد ضد مردمی گذشته از میچ کوشی فروگذار نیستند. آن ها می گویند که تا ما نیروها و عناصر سازمان کار را که از پیشرفت انقلاب هراسانند متحد و متشکل کرده و متضاد را در جهت انقلاب نسکاندازند.

ولی متأسفانه دیررسی اخباری از نیروهای انقلاب این دو جریان را به سوی خود محافل سازشکار بورژوازی برانگیزد و دست خود را بر سر ضد انقلابیست از هر طرفی مشتبه پهنه کرده اند. آن ها که از ضد انقلاب به بدی یاد می کنند و ولی نه برای این که مردم را علیه آن تجهیز کنند بلکه بصدق این که مردم را بترسانند و بسکوت و تسلیم دعوت نمایند. برخی از سازمانها و نیروهای انقلابی هم نیروی ضد انقلاب را دست کم نمی گیرند، و به این امید که به پنهانی خواهند توانست با ضد انقلاب مقابله کنند، به ضرورت وحدت نیروهای انقلابی کبها می دهند، و جلو عمل مبارزه و ارتجاع را که قصد خرابکاری، دودپوشی و تفرقه افکنی در صفوف انقلاب را دارند باز می گذارند.

حزب توده ایران در این لحظات حساس، با احساس مسئولیت بعهده تیر و های انقلابی همدار می دهد، بگذاریم دشمن زودتر و بهتر از ما متشکل شود، نگذاریم ضد انقلاب در صف انقلاب تفرقه افکنی کند.

از تاریخ پیاموزیم و توجه داشته باشیم که این حزب توده ایران می گوید حاصل تجربه طولانی جنبش انقلابی ایران و جهان است که با خون دل و در پی هر گام گامی است که برداشته می شود، حاشانه در مورد استفاده از تجربه گذشته و آموختن از تاریخ نیز اندیشه از نیروهای انقلابی که ضد انقلاب را دست کم نمی گیرند، حیدر علی لاری را از خود نشان نیندازند و در امر کسان می افتند که ضد تاریخچه دارند. بعضی از مبارزان جوان ظاهرآ توجه ندارند که تحریف تاریخ جنبشهای انقلابی یکی از مهمترین عرصه های فعالیت محافل امیرالیه و ارتجاعی در عرصه های انقلابی است. دماغه استیسی و دماغه دانشمند و هزاران نابینا سازمانهای جاسوسی امیرالیه ها و ارتجاعی به روز در فالتیست تا آنچه جنبشهای انقلابی را در پی می آورند، با دستهای پنهانی از آن خبردار گردانند.

مردم که میان سوسیالیسم و امیرالیه تفاوت چندانی نیست.

میلاده محافل امیرالیه می دانند که قدرت جنبشهای انقلابی در وحدت صفوف آن احزاب و تفرقه بزرگترین دشمن آنها، امیرالیه ها می دانند که حلقه مرکزی وحدت صفوف انقلاب که سبب ستکبری قاطع و آشتی با پلیدی آن خواهد بود، امیرالیه ها می دانند که سبب جنبش کمونیستی است. لذا محافل امیرالیه ها امیرالیه ها خود را به کار می برند تا مانع این اتحاد شوند. دیگر از راههای خرابکاری در وحدت نیروها تحریف تاریخ جنبش است تا چنین نموده شود که گویا وحدت جنبش کمونیستی با سایر نیروها ممکن نیست.

عالم امیرالیه می گویند در درجه اول جلو اتحاد نیروها را بگیرند و اگر در این راه موفق نشوند لاقال جنبش کمونیستی را تضعیف نمایند تا روزی مخصوص کمتری در مجموعه جنبش انقلابی باشد.

در کشور ما که یکی از عرصه های بزرگ و مهم تیر ضد امیرالیه می باشد، جنبشهای استتلاش محافل امیرالیه می باشد و سال آن ها برای تحریف تاریخ جنبش انقلابی ایران و بویژه تلاش برای سبب کردن چهره درختان و فداکار کمونیست ها و جلوگیری از اتحاد همه نیروهای انقلابی ضد امیرالیه بسیار شدید است.

ند امیرالیه می دانند که سبب ایران بگیرند از یک پیگیری عالی امیرالیه و ارتجاع در این خرابکاری دچار شکستی خواهیم شد. در کمتری که از دماغه سالیبش آشتی کار با روزنامه آنقدر نیربندند است که هر ایرانی سالانه به زحمت چند نایب مطالعه می کند، خروارها کاغذ علیه حزب توده ایران و علیه مناسبات ایران و شوروی سبب شده و طی دوره ۲۵ ساله پس از ۲۸ مرداد دماغه گرگ ضد انقلابی فقط به قدر لجن پراکنی ضد کمونیستی مثل قارچ برشته بویسه ساواک روییده و از مدتی خرابکاری از میان رفته اند جای خود را به دیگری واگذارند.

این گروه ها به گذشته های دارند و ناهتدیی و لذا مسئولیتی نیز بسیاری خود نمی شناسند. متنی ترخساک از مواق

تیر روز ضد انقلاب روی می آورند، مافوقی تا با جنبش کارگری کمونیستی ایران می دهند و سپس وظیفه خود را پایان یافته تلقی کرده، جانی می کنند. از این گروه ها به آن گروه ها، از این موضع با این موضع می روند تا مجبور شوند پاسخگو، لاقالانی باشند که به هم باقی مانده اند.

تشنه است که در کشور همه مدعیان روشنفکری که خود را علاقمند به انقلاب نشان می دهند تنها و تنها به تاریخ جنبش کارگری بویژه ضد توده ایران اکتفا می کنند. هیچ کس نیست که بیرون زحمت دهد و در تاریخ ضد حزب دیگری که در این سالها آمده و رفته رفته پژوهش کند. هیچ دانشمندی نیست که ناراضی های سایر سازمانها را مورد مطالعه قرار دهد. در کمتری که ساواک و دیگر بکار برین کلمه کارگر قدغن بود و حزب توده ایران مدتها زودتر با نرفتنند که بهای فاعله کارگر گفته شود هر کسی از جایش بلند می شود بهاد حزب طبقه کارگر می ماند، و حتی فلاان بیه تری که طبقه کارگر را فقط در وجود کلمت قلیبیستی نخواستن می ماند، لازم می ماند از قول ضد مائل افشار فضل فرماید که حزب توده ایران حزب طبقه کارگر است یا نیست.

محضرات که بورژوازی کامل و خادم پادشاهی وابسته اند، به پیچیدگی و پیچیدگی تاریخ احزاب و سازمان های فئودالی و بورژوازی سازمانهای خودمان نشان نمی دهند. زیرا می دانند که اگر آنجا را بیاورند چنان چرک و غوغوی بیرون خواهد ریخت که فساد جامعه را بر خواهد افرد و همه مردم را با پای این سازمانها دور خواهد نمود. همان معادلسی که خود مردم از تاریخ و تاریخ این سازمانها می دانند به یونان معروف می باشد. این سازمانها تا اینجاست که در حاکمین بورژوازی و وابستان به ایجابات چند منتهی می باشد. هر کسی که در تاریخ خود و معرفی هر چه بدقیقیت سبب خود، به سبب سبب تاریخ جنبش کارگری و تحفه سبب جنبش توده ایران متشکلند تا شاید مردم را قانع کند که حزب توده ایران هم چیزی است مثل همه سازمانهای دیگر و بهتر از آنها، اگر ما تا فریز استراتژی اتحاد با امیرالیه آمریکا را دنبال می کنیم، اگر ما حاضر نیویورک با قاطعیت علیه دربار رژیم، اگر ما نمی خواهیم ارتش و پلیس را تضعیف و با لاتی از همه اگر ما همین امروز هم در پنت پرده همین سیاست را دنبال کنیم و با جنبش ارتش و پلیس و ساواک را با یکدیگر و ندانان حذف می کنیم و می گوئیم آمریکا را نریانجیم... حزب توده ایران هم فرق چندانی با ما ندارد...

این است متعلق محضرات اینها علت اینکه کنت نیست به حزب توده ایران. اینهاست دلیل این که چرا همه مجوسها متوجه حزب توده ایران نیستند. ولی ما را با یکی از دشمن نیست. حزب برگی که جامعه را بپارید کرده و به پیش می رانند، حزبی که خطرناکترین دشمن امیرالیه و ارتجاع و منتر راستین تحول بنیادی جامعه است، حزبی که پیشانگی طبقه پیشانگی کارگران ایران است. طبیعی است که باید کارگر بدترین هجوچها باشد، جز این بودی محب سوسویا

و خانواده های آنها بود. هزاران توده ای در زندانها و شکنجه گاهها کشته شده و با در معرض شدیدترین فشارها قرار گرفتند. در این زمان نخستین کتابهای تاریخی برای تحریف فعالیت حزب توده ایران از طرف فرمانداری نظامی و زیر نظر کارشناسان آمریکایی زیر عنوانهای کتاب سیاه - درباره سازمان افغان توده و مسیر کمونیسم در ایران- انتشار یافت.

اندیشه اصلی که راهنمای تدوین این کتابها قرار گرفت این بود که جنایت های غیر قابل باور فرمانداری نظامی را علیه توده ایها توجیه کنند. در آن زمان قهرهای وسیع مردم ایران این جنایت کاری را در محکوم می کردند و نسبت به حزب توده ایران و اعضاء فدائکار آن ایران محبت و همدردی می کردند. تدوین کنندگان این کتابها کوشیدند و ثابت کنند که هر جنبشی علیه حزب توده ایران مرتکب می شوند لازم و قانونی است.

راه - به اختیار و مطمئن آن ها در این دو کتاب روی این فکر تکیه کردند که:

حزب توده یک حزب کمونیست است. تمام افعال و روشهایش عیناً اعمال و روشهای احزاب کمونیست کشورهای دیگر است... حزب توده ایران حزب طبقه کارگر است... مارکسیست نیستند راهنمای این حزب است...

از: سیر کمونیسم در ایران

حزب منحل توده... هزاران بار اعلام کرده و عملاً نشان داده است که با اساس مشروطیت و سلطنت مشروطه دشمنی آشتی پذیر دارد. حزب منحل توده بارها اعلام کرده و عیناً ثابت نموده است که با حکومت پارلمانی و انتخابات آزاد و موافقتی ندارد و هدف آنرا تاراج کردن حکومت مشروطه و اساسی دموکراسی با توسل زور و بهوسیله غریب و روشهای ضد صلحانه است. اینها کار جاسوسان و باجگاری رسانیده بودند که آشکارا مقدمات شورش و ظلم و باجگری را فراهم می ساختند و می خواستند... بویسه قیام صلحانه سلطنت مشروطه ایران، قانون اساسی و کلیه اصول و سنن باطنی ما را با یورو مدول دربار پلیس - تا نایب علیه طرح در این نوشته ها زید به طور عمده یکسان است؛ متناهی مسئله واحدی در یکی از دست و در دیگری از «چه» مورد حمله قرار گرفته است.

بررسی تفصیلی این انتشارات وظیفه این مقدمه کوتاه نیست بچای خود از آن ها سخن خواهیم گفت. آنچه خوانندگان این جزا بداند از آن کرد و توجه خواهند در بدان جلب نایب این بود که چگونه محافل امیرالیه و ارتجاعی تاریخ جنبش انقلابی را موقای نیاز حزب تحریف می کنند. یک با بداند که حزب توده ایران «توده گر» بود و در روز و تارک قیام صلحانه می دید و روز بعد متوجه شد که این حزب در سراسر عرصه دایورنویستی بود. و از تنگ می ترسید؛ یک روز اما می کنند که در جامعه ایران تقسیم طبقاتی وجود نداشته و این حزب توده ایران بود که در آن تخم بتای افکند و کارگر را از سرمایه دار جدا کرد و روز دیگری با این ادعا می آیند که این حزب هرگز حزب طبقه کارگر بوده و نیست و لذا برای برگردن «علاء» حزب طبقه کارگر در جامعه ایران بتایبند که خفت موجب پشیمانی است؛ یک روز ادعا می کنند که حزب توده ایران کترین بودی و سبب امیرالیه و ارتجاعی حزب کمونیستی ایران ندارد و روز دیگر حزب توده ایران را از تفرقه لافش جنبش کمونیستی ایران می دانند که گویا وارث همه کمبودهای واقعی و با همه جنبش کمونیستی است ولی از ادعا خستگی مثبت و دستاوردهای عظیم این جنبش محروم است.

جنبش انقلابی کمونیسم مردم ایران کارشناسان کمونیستی امیرالیه و ارتجاعی را در برابر نیاز تاریخی قرار داده است. نیاز به تفرقه افکنی میان کمونیست ها و سوسیالیست ها، امیرالیه ها و مخالف ایرانی آنها احساس می کنند که اگر جنبش انقلابی ایران بتواند در عین تفاوت های سازمانی و دیدنولوژیک یکپارگی صفوف خود را حفظ کند، امیدوار است که

حزب منحل توده... هزاران بار اعلام کرده و عملاً نشان داده است که با اساس مشروطیت و سلطنت مشروطه دشمنی آشتی پذیر دارد. حزب منحل توده بارها اعلام کرده و عیناً ثابت نموده است که با حکومت پارلمانی و انتخابات آزاد و موافقتی ندارد و هدف آنرا تاراج کردن حکومت مشروطه و اساسی دموکراسی با توسل زور و بهوسیله غریب و روشهای ضد صلحانه است. اینها کار جاسوسان و باجگاری رسانیده بودند که آشکارا مقدمات شورش و ظلم و باجگری را فراهم می ساختند و می خواستند... بویسه قیام صلحانه سلطنت مشروطه ایران، قانون اساسی و کلیه اصول و سنن باطنی ما را با یورو مدول دربار پلیس - تا نایب علیه طرح در این نوشته ها زید به طور عمده یکسان است؛ متناهی مسئله واحدی در یکی از دست و در دیگری از «چه» مورد حمله قرار گرفته است.

بررسی تفصیلی این انتشارات وظیفه این مقدمه کوتاه نیست بچای خود از آن ها سخن خواهیم گفت. آنچه خوانندگان این جزا بداند از آن کرد و توجه خواهند در بدان جلب نایب این بود که چگونه محافل امیرالیه و ارتجاعی تاریخ جنبش انقلابی را موقای نیاز حزب تحریف می کنند. یک با بداند که حزب توده ایران «توده گر» بود و در روز و تارک قیام صلحانه می دید و روز بعد متوجه شد که این حزب در سراسر عرصه دایورنویستی بود. و از تنگ می ترسید؛ یک روز اما می کنند که در جامعه ایران تقسیم طبقاتی وجود نداشته و این حزب توده ایران بود که در آن تخم بتای افکند و کارگر را از سرمایه دار جدا کرد و روز دیگری با این ادعا می آیند که این حزب هرگز حزب طبقه کارگر بوده و نیست و لذا برای برگردن «علاء» حزب طبقه کارگر در جامعه ایران بتایبند که خفت موجب پشیمانی است؛ یک روز ادعا می کنند که حزب توده ایران کترین بودی و سبب امیرالیه و ارتجاعی حزب کمونیستی ایران ندارد و روز دیگر حزب توده ایران را از تفرقه لافش جنبش کمونیستی ایران می دانند که گویا وارث همه کمبودهای واقعی و با همه جنبش کمونیستی است ولی از ادعا خستگی مثبت و دستاوردهای عظیم این جنبش محروم است.

بررسی تفصیلی این انتشارات وظیفه این مقدمه کوتاه نیست بچای خود از آن ها سخن خواهیم گفت. آنچه خوانندگان این جزا بداند از آن کرد و توجه خواهند در بدان جلب نایب این بود که چگونه محافل امیرالیه و ارتجاعی تاریخ جنبش انقلابی را موقای نیاز حزب تحریف می کنند. یک با بداند که حزب توده ایران «توده گر» بود و در روز و تارک قیام صلحانه می دید و روز بعد متوجه شد که این حزب در سراسر عرصه دایورنویستی بود. و از تنگ می ترسید؛ یک روز اما می کنند که در جامعه ایران تقسیم طبقاتی وجود نداشته و این حزب توده ایران بود که در آن تخم بتای افکند و کارگر را از سرمایه دار جدا کرد و روز دیگری با این ادعا می آیند که این حزب هرگز حزب طبقه کارگر بوده و نیست و لذا برای برگردن «علاء» حزب طبقه کارگر در جامعه ایران بتایبند که خفت موجب پشیمانی است؛ یک روز ادعا می کنند که حزب توده ایران کترین بودی و سبب امیرالیه و ارتجاعی حزب کمونیستی ایران ندارد و روز دیگر حزب توده ایران را از تفرقه لافش جنبش کمونیستی ایران می دانند که گویا وارث همه کمبودهای واقعی و با همه جنبش کمونیستی است ولی از ادعا خستگی مثبت و دستاوردهای عظیم این جنبش محروم است.

جنبش انقلابی کمونیسم مردم ایران کارشناسان کمونیستی امیرالیه و ارتجاعی را در برابر نیاز تاریخی قرار داده است. نیاز به تفرقه افکنی میان کمونیست ها و سوسیالیست ها، امیرالیه ها و مخالف ایرانی آنها احساس می کنند که اگر جنبش انقلابی ایران بتواند در عین تفاوت های سازمانی و دیدنولوژیک یکپارگی صفوف خود را حفظ کند، امیدوار است که

حزب منحل توده... هزاران بار اعلام کرده و عملاً نشان داده است که با اساس مشروطیت و سلطنت مشروطه دشمنی آشتی پذیر دارد. حزب منحل توده بارها اعلام کرده و عیناً ثابت نموده است که با حکومت پارلمانی و انتخابات آزاد و موافقتی ندارد و هدف آنرا تاراج کردن حکومت مشروطه و اساسی دموکراسی با توسل زور و بهوسیله غریب و روشهای ضد صلحانه است. اینها کار جاسوسان و باجگاری رسانیده بودند که آشکارا مقدمات شورش و ظلم و باجگری را فراهم می ساختند و می خواستند... بویسه قیام صلحانه سلطنت مشروطه ایران، قانون اساسی و کلیه اصول و سنن باطنی ما را با یورو مدول دربار پلیس - تا نایب علیه طرح در این نوشته ها زید به طور عمده یکسان است؛ متناهی مسئله واحدی در یکی از دست و در دیگری از «چه» مورد حمله قرار گرفته است.

بررسی تفصیلی این انتشارات وظیفه این مقدمه کوتاه نیست بچای خود از آن ها سخن خواهیم گفت. آنچه خوانندگان این جزا بداند از آن کرد و توجه خواهند در بدان جلب نایب این بود که چگونه محافل امیرالیه و ارتجاعی تاریخ جنبش انقلابی را موقای نیاز حزب تحریف می کنند. یک با بداند که حزب توده ایران «توده گر» بود و در روز و تارک قیام صلحانه می دید و روز بعد متوجه شد که این حزب در سراسر عرصه دایورنویستی بود. و از تنگ می ترسید؛ یک روز اما می کنند که در جامعه ایران تقسیم طبقاتی وجود نداشته و این حزب توده ایران بود که در آن تخم بتای افکند و کارگر را از سرمایه دار جدا کرد و روز دیگری با این ادعا می آیند که این حزب هرگز حزب طبقه کارگر بوده و نیست و لذا برای برگردن «علاء» حزب طبقه کارگر در جامعه ایران بتایبند که خفت موجب پشیمانی است؛ یک روز ادعا می کنند که حزب توده ایران کترین بودی و سبب امیرالیه و ارتجاعی حزب کمونیستی ایران ندارد و روز دیگر حزب توده ایران را از تفرقه لافش جنبش کمونیستی ایران می دانند که گویا وارث همه کمبودهای واقعی و با همه جنبش کمونیستی است ولی از ادعا خستگی مثبت و دستاوردهای عظیم این جنبش محروم است.

حزب منحل توده... هزاران بار اعلام کرده و عملاً نشان داده است که با اساس مشروطیت و سلطنت مشروطه دشمنی آشتی پذیر دارد. حزب منحل توده بارها اعلام کرده و عیناً ثابت نموده است که با حکومت پارلمانی و انتخابات آزاد و موافقتی ندارد و هدف آنرا تاراج کردن حکومت مشروطه و اساسی دموکراسی با توسل زور و بهوسیله غریب و روشهای ضد صلحانه است. اینها کار جاسوسان و باجگاری رسانیده بودند که آشکارا مقدمات شورش و ظلم و باجگری را فراهم می ساختند و می خواستند... بویسه قیام صلحانه سلطنت مشروطه ایران، قانون اساسی و کلیه اصول و سنن باطنی ما را با یورو مدول دربار پلیس - تا نایب علیه طرح در این نوشته ها زید به طور عمده یکسان است؛ متناهی مسئله واحدی در یکی از دست و در دیگری از «چه» مورد حمله قرار گرفته است.

بررسی تفصیلی این انتشارات وظیفه این مقدمه کوتاه نیست بچای خود از آن ها سخن خواهیم گفت. آنچه خوانندگان این جزا بداند از آن کرد و توجه خواهند در بدان جلب نایب این بود که چگونه محافل امیرالیه و ارتجاعی تاریخ جنبش انقلابی را موقای نیاز حزب تحریف می کنند. یک با بداند که حزب توده ایران «توده گر» بود و در روز و تارک قیام صلحانه می دید و روز بعد متوجه شد که این حزب در سراسر عرصه دایورنویستی بود. و از تنگ می ترسید؛ یک روز اما می کنند که در جامعه ایران تقسیم طبقاتی وجود نداشته و این حزب توده ایران بود که در آن تخم بتای افکند و کارگر را از سرمایه دار جدا کرد و روز دیگری با این ادعا می آیند که این حزب هرگز حزب طبقه کارگر بوده و نیست و لذا برای برگردن «علاء» حزب طبقه کارگر در جامعه ایران بتایبند که خفت موجب پشیمانی است؛ یک روز ادعا می کنند که حزب توده ایران کترین بودی و سبب امیرالیه و ارتجاعی حزب کمونیستی ایران ندارد و روز دیگر حزب توده ایران را از تفرقه لافش جنبش کمونیستی ایران می دانند که گویا وارث همه کمبودهای واقعی و با همه جنبش کمونیستی است ولی از ادعا خستگی مثبت و دستاوردهای عظیم این جنبش محروم است.

حزب منحل توده... هزاران بار اعلام کرده و عملاً نشان داده است که با اساس مشروطیت و سلطنت مشروطه دشمنی آشتی پذیر دارد. حزب منحل توده بارها اعلام کرده و عیناً ثابت نموده است که با حکومت پارلمانی و انتخابات آزاد و موافقتی ندارد و هدف آنرا تاراج کردن حکومت مشروطه و اساسی دموکراسی با توسل زور و بهوسیله غریب و روشهای ضد صلحانه است. اینها کار جاسوسان و باجگاری رسانیده بودند که آشکارا مقدمات شورش و ظلم و باجگری را فراهم می ساختند و می خواستند... بویسه قیام صلحانه سلطنت مشروطه ایران، قانون اساسی و کلیه اصول و سنن باطنی ما را با یورو مدول دربار پلیس - تا نایب علیه طرح در این نوشته ها زید به طور عمده یکسان است؛ متناهی مسئله واحدی در یکی از دست و در دیگری از «چه» مورد حمله قرار گرفته است.

بررسی تفصیلی این انتشارات وظیفه این مقدمه کوتاه نیست بچای خود از آن ها سخن خواهیم گفت. آنچه خوانندگان این جزا بداند از آن کرد و توجه خواهند در بدان جلب نایب این بود که چگونه محافل امیرالیه و ارتجاعی تاریخ جنبش انقلابی را موقای نیاز حزب تحریف می کنند. یک با بداند که حزب توده ایران «توده گر» بود و در روز و تارک قیام صلحانه می دید و روز بعد متوجه شد که این حزب در سراسر عرصه دایورنویستی بود. و از تنگ می ترسید؛ یک روز اما می کنند که در جامعه ایران تقسیم طبقاتی وجود نداشته و این حزب توده ایران بود که در آن تخم بتای افکند و کارگر را از سرمایه دار جدا کرد و روز دیگری با این ادعا می آیند که این حزب هرگز حزب طبقه کارگر بوده و نیست و لذا برای برگردن «علاء» حزب طبقه کارگر در جامعه ایران بتایبند که خفت موجب پشیمانی است؛ یک روز ادعا می کنند که حزب توده ایران کترین بودی و سبب امیرالیه و ارتجاعی حزب کمونیستی ایران ندارد و روز دیگر حزب توده ایران را از تفرقه لافش جنبش کمونیستی ایران می دانند که گویا وارث همه کمبودهای واقعی و با همه جنبش کمونیستی است ولی از ادعا خستگی مثبت و دستاوردهای عظیم این جنبش محروم است.

حزب منحل توده... هزاران بار اعلام کرده و عملاً نشان داده است که با اساس مشروطیت و سلطنت مشروطه دشمنی آشتی پذیر دارد. حزب منحل توده بارها اعلام کرده و عیناً ثابت نموده است که با حکومت پارلمانی و انتخابات آزاد و موافقتی ندارد و هدف آنرا تاراج کردن حکومت مشروطه و اساسی دموکراسی با توسل زور و بهوسیله غریب و روشهای ضد صلحانه است. اینها کار جاسوسان و باجگاری رسانیده بودند که آشکارا مقدمات شورش و ظلم و باجگری را فراهم می ساختند و می خواستند... بویسه قیام صلحانه سلطنت مشروطه ایران، قانون اساسی و کلیه اصول و سنن باطنی ما را با یورو مدول دربار پلیس - تا نایب علیه طرح در این نوشته ها زید به طور عمده یکسان است؛ متناهی مسئله واحدی در یکی از دست و در دیگری از «چه» مورد حمله قرار گرفته است.

بررسی تفصیلی این انتشارات وظیفه این مقدمه کوتاه نیست بچای خود از آن ها سخن خواهیم گفت. آنچه خوانندگان این جزا بداند از آن کرد و توجه خواهند در بدان جلب نایب این بود که چگونه محافل امیرالیه و ارتجاعی تاریخ جنبش انقلابی را موقای نیاز حزب تحریف می کنند. یک با بداند که حزب توده ایران «توده گر» بود و در روز و تارک قیام صلحانه می دید و روز بعد متوجه شد که این حزب در سراسر عرصه دایورنویستی بود. و از تنگ می ترسید؛ یک روز اما می کنند که در جامعه ایران تقسیم طبقاتی وجود نداشته و این حزب توده ایران بود که در آن تخم بتای افکند و کارگر را از سرمایه دار جدا کرد و روز دیگری با این ادعا می آیند که این حزب هرگز حزب طبقه کارگر بوده و نیست و لذا برای برگردن «علاء» حزب طبقه کارگر در جامعه ایران بتایبند که خفت موجب پشیمانی است؛ یک روز ادعا می کنند که حزب توده ایران کترین بودی و سبب امیرالیه و ارتجاعی حزب کمونیستی ایران ندارد و روز دیگر حزب توده ایران را از تفرقه لافش جنبش کمونیستی ایران می دانند که گویا وارث همه کمبودهای واقعی و با همه جنبش کمونیستی است ولی از ادعا خستگی مثبت و دستاوردهای عظیم این جنبش محروم است.

حزب منحل توده... هزاران بار اعلام کرده و عملاً نشان داده است که با اساس مشروطیت و سلطنت مشروطه دشمنی آشتی پذیر دارد. حزب منحل توده بارها اعلام کرده و عیناً ثابت نموده است که با حکومت پارلمانی و انتخابات آزاد و موافقتی ندارد و هدف آنرا تاراج کردن حکومت مشروطه و اساسی دموکراسی با توسل زور و بهوسیله غریب و روشهای ضد صلحانه است. اینها کار جاسوسان و باجگاری رسانیده بودند که آشکارا مقدمات شورش و ظلم و باجگری را فراهم می ساختند و می خواستند... بویسه قیام صلحانه سلطنت مشروطه ایران، قانون اساسی و کلیه اصول و سنن باطنی ما را با یورو مدول دربار پلیس - تا نایب علیه طرح در این نوشته ها زید به طور عمده یکسان است؛ متناهی مسئله واحدی در یکی از دست و در دیگری از «چه» مورد حمله قرار گرفته است.

بررسی تفصیلی این انتشارات وظیفه این مقدمه کوتاه نیست بچای خود از آن ها سخن خواهیم گفت. آنچه خوانندگان این جزا بداند از آن کرد و توجه خواهند در بدان جلب نایب این بود که چگونه محافل امیرالیه و ارتجاعی تاریخ جنبش انقلابی را موقای نیاز حزب تحریف می کنند. یک با بداند که حزب توده ایران «توده گر» بود و در روز و تارک قیام صلحانه می دید و روز بعد متوجه شد که این حزب در سراسر عرصه دایورنویستی بود. و از تنگ می ترسید؛ یک روز اما می کنند که در جامعه ایران تقسیم طبقاتی وجود نداشته و این حزب توده ایران بود که در آن تخم بتای افکند و کارگر را از سرمایه دار جدا کرد و روز دیگری با این ادعا می آیند که این حزب هرگز حزب طبقه کارگر بوده و نیست و لذا برای برگردن «علاء» حزب طبقه کارگر در جامعه ایران بتایبند که خفت موجب پشیمانی است؛ یک روز ادعا می کنند که حزب توده ایران کترین بودی و سبب امیرالیه و ارتجاعی حزب کمونیستی ایران ندارد و روز دیگر حزب توده ایران را از تفرقه لافش جنبش کمونیستی ایران می دانند که گویا وارث همه کمبودهای واقعی و با همه جنبش کمونیستی است ولی از ادعا خستگی مثبت و دستاوردهای عظیم این جنبش محروم است.

حزب منحل توده... هزاران بار اعلام کرده و عملاً نشان داده است که با اساس مشروطیت و سلطنت مشروطه دشمنی آشتی پذیر دارد. حزب منحل توده بارها اعلام کرده و عیناً ثابت نموده است که با حکومت پارلمانی و انتخابات آزاد و موافقتی ندارد و هدف آنرا تاراج کردن حکومت مشروطه و اساسی دموکراسی با توسل زور و بهوسیله غریب و روشهای ضد صلحانه است. اینها کار جاسوسان و باجگاری رسانیده بودند که آشکارا مقدمات شورش و ظلم و باجگری را فراهم می ساختند و می خواستند... بویسه قیام صلحانه سلطنت مشروطه ایران، قانون اساسی و کلیه اصول و سنن باطنی ما را با یورو مدول دربار پلیس - تا نایب علیه طرح در این نوشته ها زید به طور عمده یکسان است؛ متناهی مسئله واحدی در یکی از دست و در دیگری از «چه» مورد حمله قرار گرفته است.

بررسی تفصیلی این انتشارات وظیفه این مقدمه کوتاه نیست بچای خود از آن ها سخن خواهیم گفت. آنچه خوانندگان این جزا بداند از آن کرد و توجه خواهند در بدان جلب نایب این بود که چگونه محافل امیرالیه و ارتجاعی تاریخ جنبش انقلابی را موقای نیاز حزب تحریف می کنند. یک با بداند که حزب توده ایران «توده گر» بود و در روز و تارک قیام صلحانه می دید و روز بعد متوجه شد که این حزب در سراسر عرصه دایورنویستی بود. و از تنگ می ترسید؛ یک روز اما می کنند که در جامعه ایران تقسیم طبقاتی وجود نداشته و این حزب توده ایران بود که در آن تخم بتای افکند و کارگر را از سرمایه دار جدا کرد و روز دیگری با این ادعا می آیند که این حزب هرگز حزب طبقه کارگر بوده و نیست و لذا برای برگردن «علاء» حزب طبقه کارگر در جامعه ایران بتایبند که خفت موجب پشیمانی است؛ یک روز ادعا می کنند که حزب توده ایران کترین بودی و سبب امیرالیه و ارتجاعی حزب کمونیستی ایران ندارد و روز دیگر حزب توده ایران را از تفرقه لافش جنبش کمونیستی ایران می دانند که گویا وارث همه کمبودهای واقعی و با همه جنبش کمونیستی است ولی از ادعا خستگی مثبت و دستاوردهای عظیم این جنبش محروم است.

حزب منحل توده... هزاران بار اعلام کرده و عملاً نشان داده است که با اساس مشروطیت و سلطنت مشروطه دشمنی آشتی پذیر دارد. حزب منحل توده بارها اعلام کرده و عیناً ثابت نموده است که با حکومت پارلمانی و انتخابات آزاد و موافقتی ندارد و هدف آنرا تاراج کردن حکومت مشروطه و اساسی دموکراسی با توسل زور و بهوسیله غریب و روشهای ضد صلحانه است. اینها کار جاسوسان و باجگاری رسانیده بودند که آشکارا مقدمات شورش و ظلم و باجگری را فراهم می ساختند و می خواستند... بویسه قیام صلحانه سلطنت مشروطه ایران، قانون اساسی و کلیه اصول و سنن باطنی ما را با یورو مدول دربار پلیس - تا نایب علیه طرح در این نوشته ها زید به طور عمده یکسان است؛ متناهی مسئله واحدی در یکی از دست و در دیگری از «چه» مورد حمله قرار گرفته است.

بررسی تفصیلی این انتشارات وظیفه این مقدمه کوتاه نیست بچای خود از آن ها سخن خواهیم گفت. آنچه خوانندگان این جزا بداند از آن کرد و توجه خواهند در بدان جلب نایب این بود که چگونه محافل امیرالیه و ارتجاعی تاریخ جنبش انقلابی را موقای نیاز حزب تحریف می کنند. یک با بداند که حزب توده ایران «توده گر» بود و در روز و تارک قیام صلحانه می دید و روز بعد متوجه شد که این حزب در سراسر عرصه دایورنویستی بود. و از تنگ می ترسید؛ یک روز اما می کنند که در جامعه ایران تقسیم طبقاتی وجود نداشته و این حزب توده ایران بود که در آن تخم بتای افکند و کارگر را از سرمایه دار جدا کرد و روز دیگری با این ادعا می آیند که این حزب هرگز حزب طبقه کارگر بوده و نیست و لذا برای برگردن «علاء» حزب طبقه کارگر در جامعه ایران بتایبند که خفت موجب پشیمانی است؛ یک روز ادعا می کنند که حزب توده ایران کترین بودی و سبب امیرالیه و ارتجاعی حزب کمونیستی ایران ندارد و روز دیگر حزب توده ایران را از تفرقه لافش جنبش کمونیستی ایران می دانند که گویا وارث همه کمبودهای واقعی و با همه جنبش کمونیستی است ولی از ادعا خستگی مثبت و دستاوردهای عظیم این جنبش محروم است.

حزب منحل توده... هزاران بار اعلام کرده و عملاً نشان داده است که با اساس مشروطیت و سلطنت مشروطه دشمنی آشتی پذیر دارد. حزب منحل توده بارها اعلام کرده و عیناً ثابت نموده است که با حکومت پارلمانی و انتخابات آزاد و موافقتی ندارد و هدف آنرا تاراج کردن حکومت مشروطه و اساسی دموکراسی با توسل زور و بهوسیله غریب و روشهای ضد صلحانه است. اینها کار جاسوسان و باجگاری رسانیده بودند که آشکارا مقدمات شورش و ظلم و باجگری را فراهم می ساختند و می خواستند... بویسه قیام صلحانه سلطنت مشروطه ایران، قانون اساسی و کلیه اصول و سنن باطنی ما را با یورو مدول دربار پلیس - تا نایب علیه طرح در این نوشته ها زید به طور عمده یکسان است؛ متناهی مسئله واحدی در یکی از دست و در دیگری از «چه» مورد حمله قرار گرفته است.

بررسی تفصیلی این انتشارات وظیفه این مقدمه کوتاه نیست بچای خود از آن ها سخن خواهیم گفت. آنچه خوانندگان این جزا بداند از آن کرد و توجه خواهند در بدان جلب نایب این بود که چگونه محافل امیرالیه و ارتجاعی تاریخ جنبش انقلابی را موقای نیاز حزب تحریف می کنند. یک با بداند که حزب توده ایران «توده گر» بود و در روز و تارک قیام صلحانه می دید و روز بعد متوجه شد که این حزب در سراسر عرصه دایورنویستی بود. و از تنگ می ترسید؛ یک روز اما می کنند که در جامعه ایران تقسیم طبقاتی وجود نداشته و این حزب توده ایران بود که در آن تخم بتای افکند و کارگر را از سرمایه دار جدا کرد و روز دیگری با این ادعا می آیند که این حزب هرگز حزب طبقه کارگر بوده و نیست و لذا برای برگردن «علاء» حزب طبقه کارگر در جامعه ایران بتایبند که خفت موجب پشیمانی است؛ یک روز ادعا می کنند که حزب توده ایران کترین بودی و سبب امیرالیه و ارتجاعی حزب کمونیستی ایران ندارد و روز دیگر حزب توده ایران را از تفرقه لافش جنبش کمونیستی ایران می دانند که گویا وارث همه کمبودهای واقعی و با همه جنبش کمونیستی است ولی از ادعا خستگی مثبت و دستاوردهای عظیم این جنبش محروم است.

# چین و ویتنام

## کدام یک به دیگری درس داد؟

شکست نظامی چین در ویتنام، دنباله و حلقه مکمل شکست سیاسی و ایدئولوژیک چین مائوزه در صحنه‌های جهانی است. لشکران گانگ چینی با کنترهای جسمی، آتشزدن آبی‌ها و مزارع و غارت‌زدگی دهقانان مزرعین ویتنامی و ویران کردن پلها و جاده‌ها، اوج انحطاط مائوئیسم را به عنوان یک ایدئولوژی خودمختار و روشی نوین و عظمت‌طلبانه در نظر گرفتند. به عرض نمایم، گذشتند، تنگناهای مائوئیسمک تا حدود ۵۰۰ هزار سرباز چینی را در میت هزاران تا یک و زربویش و مراد توپ‌های سنگین، با این بهانه‌های پرشادانه بود که: «به ویتنام درس خوبی خواهیم آموخت». اما به نظر می‌رسد که مائوئیسمها با تحمل تلفات و خسارات سنگین و غیرمنتظره و مجبور شدن به عقب‌نشینی سریع تا حد هزیمت، خود با حق برت‌انگیزی از میان‌های جنگ خلق ویتنام بازمی‌گردند. هماهنگی‌ها نظارن سیاسی یکی از دلایل هجوم چین به ویتنام را عکس‌العمل شکست مائوئیسم و برق‌آبی داروئیست‌های چینی است. مائوئیسم و لبروت و یتنگ‌ساری در کامیونج توصیف کرده‌اند، نیز سبب نیروهای مائوئیست در مرز لائوس و آنگار خرابکاری و دست‌انداختن به داخل خاک لائوس انقلابی را عکس‌العمل شکست نظامی و استراتژی‌های برای شکست نظامی و سیاسی در ویتنام قهرمان می‌دانند.

### چه محافل از بحران ...

با علاقه تمام دنبال می‌کردند. آن‌ها پیروزی انقلاب ایران را پیروزی خود تلقی کردند. ولی متأسفانه انقلاب ایران هنوز پاسخ گرمی به ایرادان افغانی نداده است. برعکس برخی محافل که خود را به پایتلافی ایران تشنه آشکار و نهان از شد انقلاب در افغانستان حمایت می‌کنند و به این‌گونه که انقلاب ایران اسلامی و شد انقلاب افغانستان نیز خود را به پیروی از اسلام می‌نامند، می‌گویند تا میان این دو رابطه‌ای برقرار نمایند. در مطبوعات و رادیو تلویزیون ایران خبرهای مربوط به افغانستان آنطور که باید متعصبانه نمی‌نویسند و تهران کابل را از دریچه اسلام‌آباد می‌نگرد. و این مایه نهایت تأسف است.

با به‌خبرهایی که از اسلام‌آباد می‌رسد و برخی محافل آنرا در تهران پوست پشمی می‌کنند، گوید افغانستان نه‌تنها اسلام در درجه اول است و همه مردم به‌سوی خداوند است. حکومت ملی و دموکراتیک خود را برانداختند. در حالی که محفل فتنه بر سر آنت که کمیته خرابکاری است و سایر سازمان‌های امپریالیستی و اجزای، عمال رژیم سابق افغانستان و خانواده‌های ثروتمند را که منافع خود را در خطر می‌بینند، از خارج تحریک و تجهیز می‌کنند تا شاید جلو پیشرفت انقلاب را بگیرند.

در پاکستان اردوگاه‌های نظامی در مرز افغانستان تأسیس شده که در آن شد انقلابی فراری افغانستان را تعلیم دانه و مسلح می‌کنند و افغانستان برمی‌گردانند. نظیر همین کار در زمان رژیم سابق در کشور ما انجام می‌شد و افغانیان بیکار کشور ایران گروه گروه جمع‌آوری شدند و در اردوگاه‌های نظامی گردآوری می‌شدند و سپس مسلح شده و به آن سوی مرز اعزام می‌گشتند. چنان‌که می‌دانیم در عتبات‌آباد یکی از مراکز این توطئه‌گری کشند.

این‌گونه افراد تعلیم یافته در اردوگاه‌های خارج و تجهیز شده از طرف امپریالیسم و ارتجاع بین‌المللی هستند که اسلام را بهانه کرده‌اند تا شاید آب رفته را به جوی برگردانند. این‌ها هستند که از مرز دست به شورش برداشته‌اند و شورش‌های ایجاد کرده ولی سرکوب شده، چرا که با مردم پیوندی ندارند. و به دنبال آن بود که دولت افغانستان کارداران سفارت ایران را اخراج کرد. آیا دولت انقلابی ایران اطمینان دارد که این کارداران گنای نداشت؟ آیا این کاردار که از زمان رژیم سابق در هرات است در موضوع مسلح کردن و بازگرداندن افغانیان تعلیم ایران، که امروز دیگر قابل انکار نیست - وارد نبود و روش سابق خود را ادامه نمی‌دهد؟

آنچه سبق خشم مردم سرمد را برمی‌انگیزد و برمی‌انگیزد درست همین نقش بانک‌هاست. بانک‌هاست. در مدت کوتاهی کارآزار اصلاحات اجتماعی و تازانند راه رشد سرمایه‌داری می‌کنند. سدها بانک‌های کشور پیش از ده برابر و مبلغ اعتباری که دولت به سرمایه‌داران بزرگ و کاردار می‌کرد تقریباً ۱۶ برابر شد. ولی گسترش شبکه بانکی کمی به‌تواند ملی و تولیدکنندگان کوچک کرد. بلکه سرمایه‌داری موجب ورشکستگی بیشتر آنها شد. بسیاری از بانک‌هایی که در ایران فعالیت می‌کردند، به‌تأسفانه فعالیت

### ... پیروزی نوین انقلاب در کردستان

اداره خواهد شد و هیچ مقام اداری به‌آنان تحویل نخواهد شد. ۴. به مردم کردستان همه‌گونه امکان داده می‌شود تا منافع اقتصادی منطقه را در راه رفاه خود بدون هیچ‌گونه اشتراک به‌کار گیرند. ۵. برای مردم کردستان همچون مردم سراسر کشور حق دخالت در سیاست عمومی و تصمیم‌گیری در موضوعات محلی بدون هیچ‌گونه تمیزی رعایت می‌گردد. ۶. دولت اسلامی مرکزی حمایت اقتصادی، اجتماعی از مردم محروم و متعصب کردستان را در رأس برنامه‌های خود قرار خواهد داد و در جریان عقب ماندگی‌های گذشته آنان خواهد کرد. ۷. با همکاری مردم کردستان در استفاده از لباس و انجام دست‌خاس کردی کمترین خشنه و خلی وارد نخواهد شد.

در مذاکره با نمایندگان گروه‌های مختلف همچنین مقرر گردید شورایی مرکب از ۵ نفر اداره موقت امور شهر را برای مدت یک‌هفته به‌عهده بگیرند و با برگزاری انتخابات عمومی شورای منتخب مردم را برای مدت ۶ ماه تعیین کنند. علاوه بر این هیئت اجرایی از دولت موقت اسلامی

تجدول و اصلاح برآورد. اما گروه دوم که ظاهراً از نقطه مقابل این نیرو به‌تبعه انقلاب و تحریک آن می‌روند، بدون نظر گرفتن شرایط عینی عقب‌انداختن افغانیان بدون توجه به مردم و آداب و عادات خلیق و دست و پاگیر که تا امروز ذهن و زندگی قشرهای وسیعی از افغانیان رفته دوامده، خواهان اجرای این است. برنامه‌های خرابی و درنگ‌ناپذیری هستند که به‌گمان آن‌ها سوسیالیسم را یک شیبه در افغانستان دورمانده از قلمه تبیین و تحقیق هستند. نسه اخیر از مائوئیسم که آنرا برای شرایط افغانستان بهترین نسخه و درمان می‌نشانند، الهام می‌گیرند و در واقع مائوئیسم‌های نوع افغانی هستند. این دو نیرو به‌رغم خاستگاه متفاوت و با به‌ظاهر متحد خود در عمل متحد و یکپارچه گردیدند و هر دو به‌یک‌جانب لابی چرخ‌های انقلاب نو می‌گذارند و آب در آسیاب امپریالیسم می‌ریزند. برای این

هر دو نیرو، با گسار ایزار و زمینه‌سازی لازم را تهیه دیده است. اعلامیه دولت انقلابی افغانستان که روز گذشته منتشر شد، در کابل منتشر شد، با اشاره به این مطلب است که جای پای امپریالیسم زخم‌خورده و در کمین نشسته را در زمانه‌های اخیر این کشور این‌طور این‌طور می‌دهد: «پس از انقلاب گروهی از مرتجعین و خائنان به‌رغم به‌کارگیری تحریفانه و به‌تاریک شد انقلاب متوقفند. تسلیحات و تجهیزات و پول کافی در اردوگاه‌های خارجی آن‌ها تسرب شده است. در اختیارشان گذاشته می‌شود».

توده‌های افغانی و شکست برق‌آسی شورش کابل تأکید می‌کند: «انقلاب نشان داد اقتدر نیرومند است که پاسخ‌دهنده شکست امپریالیسم و مزدوران معملی آن دهد».

\*\*\*

نیروهای شرقی و انقلابی ایران در این امید و اطمینان دولت مائوئیستی مردم افغانستان شریکند. پیدایش شد انقلاب در فرهای پیروزی انقلاب‌های طبیعی است. همدجا و همدجا در انقلاب است بروز شده، شد انقلاب برای مدتی توانسته است دست به‌تحریک و توطئه بزند. و لذا آنچه در افغانستان می‌گذرد حادثه‌ای منحصراً بفره و خاص آن کشور نیست. در کشور خود ما نیز هنوز ساواک زسر زمینی وجود دارد و هنوز شد انقلاب با تمام قوا در تلاش توطئه و تحریک است و قلم‌ها فردا با پرچم اسلامیت و آزادی است. غیر به‌میدان خواهد آمد. ولی هیچ مسلمان شریفی شد انقلاب را ولو در صورتی که اسلام نام نه‌باشد، نپذیرد. چرا که هر مسلمان شریفی می‌داند که نه در افغانستان و نه در ایران سخن بر سر اسلام نیست. بر سر طرد عقب‌ماندگی، ارتجاع و امپریالیسم است.

می‌کنند، از بوجه دولتی سرمایه‌بندی‌ها و ولی فقط به‌بزرگترین سرمایه‌داران وابسته و غیره ملی هستند. یعنی سرمایه بانک توسعه صنعتی و معدنی در واقع همه سرمایه‌های را مدیون بوجه دولت، یعنی دولت است. بسیاری از بانک‌ها نیز ۹۹ درصد دولتی خود را از اموال دولتی می‌گیرند. امروز موافق خواست مردم و جنبش انقلابی ایران باید فعالیت بانک‌ها را در زمینه تهیه زمین، راه و آنها را در خدمت اقتصاد ملی گذاشت و چنین کاری ممکن نیست مگر از طریق ملی‌کردن بانک‌ها. یادآوری کنیم که ملی کردن بانک‌ها

خواست که بازداشت‌شدگان حوادث اخیر آزاد شوند. این خواست فوراً مورد قبول قرار گرفت و به‌مرحله اجرا درآمد علاوه بر این مقرر گردید اما مگر از قبیل فرودگاه، ستاد ارتش و تلویزیون که به‌اشغال گروه‌های متعصب درآمد به‌مستولان قانونی تحویل داده شود. به‌این جهت قلمی و روشن چیزی زیادی نمی‌توان ارائه کرد. ما به همه مبارزین انقلابی و بویژه آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله خراسانی چنین گونه‌نواخته‌اند. بر سر این گمان‌های اساسی به‌توافق برسته تیرک می‌گویند باید امیدوار بود و کوشید تا مائوئیسم را در رأس برنامه‌های خود قرار خواهد داد و در جریان عقب ماندگی‌های گذشته آنان خواهد کرد. با همکاری مردم کردستان در استفاده از لباس و انجام دست‌خاس کردی کمترین خشنه و خلی وارد نخواهد شد. در مذاکره با نمایندگان گروه‌های مختلف همچنین مقرر گردید شورایی مرکب از ۵ نفر اداره موقت امور شهر را برای مدت یک‌هفته به‌عهده بگیرند و با برگزاری انتخابات عمومی شورای منتخب مردم را برای مدت ۶ ماه تعیین کنند. علاوه بر این هیئت اجرایی از دولت موقت اسلامی

تجدول و اصلاح برآورد. اما گروه دوم که ظاهراً از نقطه مقابل این نیرو به‌تبعه انقلاب و تحریک آن می‌روند، بدون نظر گرفتن شرایط عینی عقب‌انداختن افغانیان بدون توجه به مردم و آداب و عادات خلیق و دست و پاگیر که تا امروز ذهن و زندگی قشرهای وسیعی از افغانیان رفته دوامده، خواهان اجرای این است. برنامه‌های خرابی و درنگ‌ناپذیری هستند که به‌گمان آن‌ها سوسیالیسم را یک شیبه در افغانستان دورمانده از قلمه تبیین و تحقیق هستند. نسه اخیر از مائوئیسم که آنرا برای شرایط افغانستان بهترین نسخه و درمان می‌نشانند، الهام می‌گیرند و در واقع مائوئیسم‌های نوع افغانی هستند. این دو نیرو به‌رغم خاستگاه متفاوت و با به‌ظاهر متحد خود در عمل متحد و یکپارچه گردیدند و هر دو به‌یک‌جانب لابی چرخ‌های انقلاب نو می‌گذارند و آب در آسیاب امپریالیسم می‌ریزند. برای این

هر دو نیرو، با گسار ایزار و زمینه‌سازی لازم را تهیه دیده است. اعلامیه دولت انقلابی افغانستان که روز گذشته منتشر شد، در کابل منتشر شد، با اشاره به این مطلب است که جای پای امپریالیسم زخم‌خورده و در کمین نشسته را در زمانه‌های اخیر این کشور این‌طور این‌طور می‌دهد: «پس از انقلاب گروهی از مرتجعین و خائنان به‌رغم به‌کارگیری تحریفانه و به‌تاریک شد انقلاب متوقفند. تسلیحات و تجهیزات و پول کافی در اردوگاه‌های خارجی آن‌ها تسرب شده است. در اختیارشان گذاشته می‌شود».

توده‌های افغانی و شکست برق‌آسی شورش کابل تأکید می‌کند: «انقلاب نشان داد اقتدر نیرومند است که پاسخ‌دهنده شکست امپریالیسم و مزدوران معملی آن دهد».

\*\*\*

نیروهای شرقی و انقلابی ایران در این امید و اطمینان دولت مائوئیستی مردم افغانستان شریکند. پیدایش شد انقلاب در فرهای پیروزی انقلاب‌های طبیعی است. همدجا و همدجا در انقلاب است بروز شده، شد انقلاب برای مدتی توانسته است دست به‌تحریک و توطئه بزند. و لذا آنچه در افغانستان می‌گذرد حادثه‌ای منحصراً بفره و خاص آن کشور نیست. در کشور خود ما نیز هنوز ساواک زسر زمینی وجود دارد و هنوز شد انقلاب با تمام قوا در تلاش توطئه و تحریک است و قلم‌ها فردا با پرچم اسلامیت و آزادی است. غیر به‌میدان خواهد آمد. ولی هیچ مسلمان شریفی شد انقلاب را ولو در صورتی که اسلام نام نه‌باشد، نپذیرد. چرا که هر مسلمان شریفی می‌داند که نه در افغانستان و نه در ایران سخن بر سر اسلام نیست. بر سر طرد عقب‌ماندگی، ارتجاع و امپریالیسم است.

می‌کنند، از بوجه دولتی سرمایه‌بندی‌ها و ولی فقط به‌بزرگترین سرمایه‌داران وابسته و غیره ملی هستند. یعنی سرمایه بانک توسعه صنعتی و معدنی در واقع همه سرمایه‌های را مدیون بوجه دولت، یعنی دولت است. بسیاری از بانک‌ها نیز ۹۹ درصد دولتی خود را از اموال دولتی می‌گیرند. امروز موافق خواست مردم و جنبش انقلابی ایران باید فعالیت بانک‌ها را در زمینه تهیه زمین، راه و آنها را در خدمت اقتصاد ملی گذاشت و چنین کاری ممکن نیست مگر از طریق ملی‌کردن بانک‌ها. یادآوری کنیم که ملی کردن بانک‌ها

آنچه سبق خشم مردم سرمد را برمی‌انگیزد و برمی‌انگیزد درست همین نقش بانک‌هاست. بانک‌هاست. در مدت کوتاهی کارآزار اصلاحات اجتماعی و تازانند راه رشد سرمایه‌داری می‌کنند. سدها بانک‌های کشور پیش از ده برابر و مبلغ اعتباری که دولت به سرمایه‌داران بزرگ و کاردار می‌کرد تقریباً ۱۶ برابر شد. ولی گسترش شبکه بانکی کمی به‌تواند ملی و تولیدکنندگان کوچک کرد. بلکه سرمایه‌داری موجب ورشکستگی بیشتر آنها شد. بسیاری از بانک‌هایی که در ایران فعالیت می‌کردند، به‌تأسفانه فعالیت

### خطر اسرائیل

این‌جانب بیش از ۱۵ سال است که خطر اسرائیل غاصب را گوشزد کرده‌ام و به‌دولت صهیون حقیقت را اعلام کرده‌ام اکنون با طرح استعماری صلح مصر و اسرائیل این خطر بزرگ و فزاینده و جدی‌تر شده است. سادات با قبول این صلح وابستگی خود را به‌دولت استعمارگر آمریکا آشکارتر نمود. از دوست شاه سابق پیش از این خود را همگام با داشت. اسرائیل خود را همگام با برادران مسلمان کشورهای عربی دانسته و خود را تصمصم‌گیری‌های آنان سهم می‌داند. این صلح سادات و اسرائیل را خیانت به‌اسلام و مسلمین و برادران عرب می‌داند. موضوع سیاسی گروه‌های مخالف این پیمان را تألیف می‌کند.

روح‌الله الموسوی الخنیزی

وقت است

وقت است

وقت است

وقت است

وقت است



# به تبعید شدگان سیاسی گذرنامه بدهید

# ساواک باید ریشه کن شود

### هر روز نشانه‌های تازه‌ای درباره توطئه‌ها و خرابکاری‌های شبکه‌های زیرزمینی ساواک به دست می‌آید.

یک ماه و نیم پس از سقوط و انحلال ساواک، هنوز این سازمان جسی که منقلب و قلب رژیم وابسته به امریالسم بود، در حال‌های از ایام و تاریکی باقی مانده است. آیت‌الله طالقانی درباره پنهان شدن هفت، هشت هزار ساواکی کلاً مجهز و مسلح که با «سیاه» و «سواد» (سازمان اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل) در ارتباطند، هشدار می‌دهد. معاون نخست‌وزیر از وجود ۱۵ شبکه زیرزمینی ساواک خبر می‌دهد. روزنامه‌ها، روزها، خبرها ساواک را در پاریس از مراکز و کمیته‌های انقلاب، به عنوان خطر ملکی که در کمین انقلاب نشسته است، افشا می‌کنند. و در این حال هر شب و یا هر چندگاه می‌تواند از پاسداران فدائیان انقلاب در خیابان‌ها و سترها به ضرب کلوله افراد ناشناس در خون خود می‌ریختند و این ترورها و شیخون‌های غافلگیرانه همچنان ادامه می‌یابد.

با توجه به این که مقامات رسمی دولت و مسئولان انقلاب به علور لوطی باطنی مرتجع تجسید سازمان مخفیانه ساواک و ترمیم یافته‌ها و شبکه‌های این لاف‌تراز و توطئه و خطر را نباید گرفتارند، این سؤال پیش می‌آید که چرا هنوز برای رژیم دشمن فاطح این متن و قلب کشیده رژیم منطقه اریامهری و پایگاه جوههای اجتنابی ارتجاع و امپریالیسم، اقدامات هنجارینه صورت نگرفته است؟ دستگیری ترمیم یافته‌ها و مجازات نموده‌ها از سران و تکلیف گران ساواک برای ریشه کن کردن این درخت شوم جایت، به هیچ وجه کافی نیست. آن درها هزار جاسوس و خریچین و انگلیس ترورست رسمی که عامل کشته‌های جمعی، شکنجه‌های فزون و سواپی، برودسازهای و سیدیه‌گرهای ضد ملی علیه آزادیخواهان، تکلیف بساط اختاری، کمال سوزان، سانسور، گیسو، پوشش لبه، برین زایان‌ها، شکنج‌ها، قتل‌های عقابانه، بهاداران عظیم‌ترین ترورها و زبان‌های مادی و مکتوبی بوده‌اند، آن‌ها و زبان‌ها و عترها و گسوس‌ها و چسپ‌ها و استبداد ضحاک‌ها، استعماربانان امپریالیستی حالا کیا هستند؟

نیوتوان باورکرد و دلنشین بود که باورهای گردن لاله مارها، این خردگان مودی و بی‌شمار تشبه شده و دیوان کار خود گرفته‌اند، همین که آن‌ها نرسدند تا در حاس‌ترین مراکز و کانون‌های انقلاب رسوخ کنند، (با آنجا که تصفیه و کویته‌های امام بوسیدان تمجیل می‌شود)، خود نتواند تبارک و وسیع و سینه‌های ساواک برای فرود آوردن شربه ناگهانی و شکنج‌ها در موقع مناسبت، همین که گروه‌های نیرو ساواک، شانه در شوکه‌ها و خیابان‌ها بره می‌زنند و در پیشگاه نمایان انقلابی می‌زنند و بنز آشوب و فاشی و سولج می‌برند، همین که نقشه برای ایجاد دستگیرنده می‌کنند، در زندان‌های کتلی سابق خریچ‌ها و استهان با پاری از داخل و خارج زندان به اجرا گذاشته می‌شود، همین که ارتشده نسیری هنگام بازجویی در برابر دودین‌های تلویزیون برای همستان و آبادی خود، پیام رمز می‌زنند و به آن‌ها دستور حمله به بازداشتگاه بران دستگیر شده رژیم منطه را می‌دهد، همه و همه از فعالیت سازمان داده شده زیرزمینی ساواک و طرح‌ها و نقشه‌های این سازمان

درخواست کمیته مرکزی حزب توده ایران برای صدور گذرنامه رسمی جهت اعضای این حزب و خالوانه‌های آن‌ها که پس از سال‌ها اقامت‌اجباری در خارج از کشور، مهیای بازگشت به میهن‌اند، یکی از مهم‌ترین وظایف انقلاب را به دولت موقت آقای مهندس سازگان، گوشزد می‌کند. این درخواست در واقع موجی یکی از اولین اقدامات آشکار و محقق انسانی و سیاسی گروهی از مبارزان و آزادی‌خواهان دیرپای میهن مارا به‌منابه میراث شوم رژیم استبداد اریامهری طلب می‌کند. تا وقتی نشانه‌های خشن نظم دیکتاتوری در پایمال کردن نقش و سهم این مبارزان در اصول منشور حقوق بشر در جامعه ما برپاست، هنوز هیچ سخن جدی از آزادی واقعی نیوتوان بر زبان براند، در نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به نخست‌وزیر و دکتر مریک سنجایی وزیر خارجه دولت موقت تاکید شده است: حزب توده ایران چنان که بر همگان روشن است، آن

در اینجا نیز صحاف امپریالیسم و دودهای ساواک راه تصرف تاریخ جوش را در پیش گرفته‌اند. مأمورین ساواک انواع نشریه‌ها و اعلامیه‌ها و کتابهای ضد کمونیستی نشر می‌کنند که با نام‌های نامدار و با نام مستعار چاپ شده و مرام نیست کدام زبان‌ها مشول انتشار و مدافع نوشته می‌آیند. از جمله اعلامیه‌های به‌اضای جمعی از دانشجویان مسلمان، در صفا هزار نسخه چاپ و در سراسر کشور منتشر شده و بر سر هر مسجدی نصب شده است که در آن با نام‌های خیانت‌آمیز یک کتله جاسوس‌ها انتشار یافته است. از جمله موبایل‌های جاسوس‌ها (کمونیست) از زمان مشروطه تا امروز همواره «بی‌خاسته» کرده و سپس گنداند که ما اشیاء کریمه، در اینجا حتی اقدامات خرابکارانه عناصر مائویست که وارد سازمان مجاهدین خلق شده و آنرا از بدون موزن هزار دانه صادر کرده، کمونیست‌ها گنداند و بدین اوقیبت روشتند از آفتاب توجیه نگردانند - و نوبت‌ها توجیه کنند - که مائویست‌ها کمونیست نیستند، شد کمونیست. آن‌ها فقط به‌مجاذهای خلق بلکه قبل از آن به‌جیش کمونیستی از پیش خنجر زده‌اند. به‌علور روش خرابکارانه آنان در بدون بدوین روش خرابکارانه از طرف حزب توده ایران در همان صورت ارتکاب مجکوم شده است. اینها جزایات جمعی از دانشجویان مسلمان، این واقعه‌ها را می‌دانند، اما کار آن‌ها تعریف حقایق است. آن‌ها قصد خرابکاری و دودپوشی دارند تا در برابر پیشرفت ملی و وحدت که حزب توده ایران پیشه‌های می‌کند ایجاد مانع کنند. کار دار که توطئه‌گری عمال امپریالیسم و ارتجاع را می‌کند. این تاریخ برافشار جنبش انقلابی ایران با پیوستن در این جنبش سرداران نامدار و سربازان گمنامی که از آموزش علمی کمونیستی - لتنیستی الهام می‌گرفتند و منتها، بزرگ‌ترین خدمت‌ها برداشتند. آن‌ها صادقانه و بدون کترین خشنودت در راه خلق جان فدا کردند. بیادری و تشکل مردمی و کمال انقلاب ایران به‌مرحال در طول زمان، در نبردی برابر با امپریالیسم و ارتجاع و زیر شکنج‌ترین فشارها کویته‌اند تا جامعه ایران از نظر علمی و به‌دستی تحلیل‌کننده آموزش کمونیستی - لتنیستی در شرایط ایران به‌کار برند. آن‌ها همواره برای جیب‌وحشت نیروهای سلیق انقلاب و تکمیل وحدت صفوف ایران رژیم برده، درک اندیشه‌های مارکسیستی - لتنیستی و کاربن آن در جامعه ایران که امروز به‌علور اولانی رسیده خلق‌الایه نیست، مسلول کار پرچم‌ت و طولانی‌مدت‌های جانب‌بازی کمونیست‌هاست. حتی چا افاده، علمی و انقلابی حزب توده ایران که امروز از میان همه دودپوش‌ها خال خود را به‌پیش می‌کشد، خلق‌الایه و تمدنی نیست. حاصل خلق ملی نه‌سالها نبردی کمونیستی، های صبیق در زندان و از طریق ترمیم و های چوپه اتمام است. راه آنرا از کار می‌داریم. از تجربه آموزنده‌ای که به‌بارت

سازی و نوسازی مخروبه پرنشانی که ارتجاع سلطنتی و امپریالیست‌های یفاگر برای ما برجای نهاده‌اند، سال‌ها وقت و تمامی استعدادهای نیروهای سیاسی و اجتماعی را طلب می‌کنند، تسریع در صدور گذرنامه رسمی برای تبعیدیان سیاسی، نفتها به‌خطای اضمحلال یکی از مظاهر ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم منطه سابق، نفتها به‌خطای رفع ستم و تبعیض سیاسی از گسوس‌های مبارزان و میهن‌پرستان، بلکه همچنین به‌معنای نخستین شرط ضرور حرکت پستی جامعه‌ای دموکراتیک، در دستور روز قرار دارد.

شکست‌هاست که دولت موقت انقلابی تاکنون به‌مقتضایخانه‌ها و نمایندگان های سیاسی ایران در کشورهای خارجی دستور ندهاده است که به‌مقتضای مبارزان سیاسی ایرانی در خارج از کشور گذرنامه بدهند. رژیم محمد رضاشاهی، فقط شاه خائن و اطرافانش را ایرانی می‌داند و به‌مقدور حق می‌داد، ایستاد کند که متعاقباً رژیم ایرانی نسلنامه بر این مینا محروم کردن ایرانیان مقیم خارج از کشور از داشتن گذرنامه ایرانی است که در واقع جرم است - امری‌عادی تلقی می‌شد. ما هنوز نمی‌دانیم نظر دولت موقت چیست؟ ولی اطمینان داریم که یک دولت انقلابی نمی‌تواند ایرانی را از داشتن گذرنامه ایرانی محروم کند.

آثار کزلیک مارکسیستی درسی کسی دارد و با جامعه‌ای طرف است نفاذ تشکل حزبی و ستکلی، فاقد اندیشه سیاسی خواهد آمد، جمع بست کامل این تجربه غنی نیست - که خود کتابها می‌خوانند ولی گوشش است در این راه.

**شیوه بررسی**

روشی که در این بررسی کوتاه به‌کار خواهیم برد یک روش علمی تحسلف مدین رسمی خواهد بود که تحسلف کنند تاریخ جیش به‌کار می‌برند. از جمله:

۱. هر حادثه تاریخی باید در چارچوب زمان و مکان، در چارچوب بدین روشی که در آن قرار گرفته بدین روش به‌مجموعه حوادثی که در حادثه مورد نظر اثر گذاشته‌اند بررسی شود.
۲. تعریف کنندگان تاریخ باید حوایب را می‌کنند، هر حادثه‌ای را جدا از زمان و مکان و خارج از چارچوب دوران تاریخی که حادثه در آن جریان یافته بررسی می‌کنند تا آنرا موافق نیاز تبلیغاتی امروزی خود مودد به‌برموده‌ها قرار دهند. ما موافق حوایب را در جای خود بررسی کنیم.
۳. تعریف کنندگان تاریخ بسیاری از انبساط‌های خود را بدون مدرک و دلیل مطرح می‌کنند و آنهایی که از این امری است و کینه‌ورترند «اساسی» از زاهدان جیش بیرون می‌کنند و پیران عثمان می‌کنند که با روش علمی برزایط‌های ندارند. توضیح این که هر جنبش انقلابی و هر سازمان انقلابی موجود زندانی است در حال تکامل و جنب و دبق مداوم - که خود شرط از برای تکامل است. چه‌جا افراد که به‌جیش می‌پیوندند به‌مقتضایات خود کمکی نیز به‌جیش می‌کنند. اما مرد ادامه نبرده تا پایان نیستند قدرت کامل با‌بهایی جیش را ندارند، سیاست و منشی جیش را از زاویه منینی درک و متکی می‌کنند که منطبق با منای واقعی سیاست مبارزین تازه‌س می‌دهند.

با اندیشه‌ها و سیاست‌های جزین می‌رود. هیچ‌اندیشه و سیاستی یکبار و کامل خلق نمی‌شود. پیدایش سیاست، حاصل دوست خود یک بروم تکاملی است. حاصل بریدی است بین درست و نادرست، نیردی در دشمنان خارجی و همچنین نیردی در بدون جیش و یا مودون حزب.

در بررسی تاریخ جیش‌ها، از احزاب باید این پرسش تکاملی این نیرد متدوار را بررسی کرد و سمت حرکت را در نظر گرفت. این نکته که در تاریخ هر جنبش صق می‌کنند، در مورد احزاب کمونیستی و جیش‌های کارگری کشورهای عقب مانده‌ای مانند ایران اهمیت ویژه‌ای می‌کند. زیرا جیش‌های کمونیستی در این کشورها با دشواری بزرگه انطاق علمی مارکسیستی - لتنیستی با جامعه‌های که با‌بهایی علمی لازم را ندارند روبرو هستند. بی‌سوال‌دموکرات صدور مشروطه هنوز به

درمان‌های اخیر بررسی از مبارزین سلیق انقلابی نیز که در هیچ‌سوی‌هیچ‌بودند متعاقباً نظریات نادرستی درباره تاریخ نهشت کمونیستی ایران استراژ کرده‌اند، و هنوز هم این کم‌کمک‌ها بیشتر معلول علم نرسدی به‌مقتضای مبارز و گسپ‌های اجباری میان سله‌های مبارز است. زودبندی نسبت که ایشان از صرف دشمنان تاریخ، بی‌توجهی‌ها، آن‌ها حساب دشمنان کمونیسم مایه‌ی جناس است. ضمن بحث از تاریخ نهشت نیز حساب آنان را خوارانه از احزاب دشمنان نهشت جدا خواهیم کرد.

**بزم خجسته**

فریاد بر کنید:  
بید آمدن است عید  
هنگام پایکوبی و شادی است زمین تویید  
روشن کنید شمع

بر بخوان نمک نهید  
قرآن و نان دهید  
با سفره سبزه و گل و گلذنان بیابورید!  
گفتی: کفی ز خاک  
تا بزم را خجسته کند پای‌اش ز شهید.  
فرهاد به‌آورد.

متأسفانه هنوز ریشه کن نشده - امنیت اتحاد همه نیروهای انقلابی - چه امپریالیستی - چه کمونیست و چه اسلامی - با واقفند و لذا تمام نیروی خود را برای ترقه‌الکونی میان این دو نیروی ضد جنبش به‌کار انداخته‌اند و می‌گویند همه وسیله ممکن جهت ریشه منهدم شدن کمونیستی بره انداخته و صفوف انقلاب را در مزرعه در کارگاه، در مزرعه و دانشگاه شکنند و کارگر را به‌جان کارگر بیاندازند. آن‌ها در تلاش آند که با تأثیر مشی انقلابی حزب توده ایران بکند و مشی اتحاد همه نیروها - چه مذهبی و چه غیرمذهبی - را تا کتیک، موقت و غیر صادقانه معرفی نمایند.